

اهمیت فضای مساعد کسب و کار در تولید ملی

مجتبی سلیمانی سه دهی، عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

جهان اقتصاد- جوان- جهان صنعت- شاتا

همانگونه که همگان مستحضرنند سال ۱۳۹۱ با عنوان «تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی» نامگذاری شده است. لذا برهمگان است که در حد مقدرات خود نسبت به تحقق بخشیدن این شعار و به فعلیت رسیدن آن در این سال و البته در سالهای آتی همتی بایسته و شایسته نمایند. برای این منظور، لازم است که ابتدا عوامل و محرکهای تاثیرگذار بر تولید ملی شناسایی شوند تا بر آن اساس بتوان نقاط ضعف و قوت هریک از عوامل در پشتیبانی از تولید ملی را شناخت.

از میان عوامل مختلف و مهم موثر بر رونق تولید ملی، نگارنده در این نوشتار بر «فضای کسب و کار» تاکید کرده و به دلایلی که در ادامه برشمرده خواهد شد آن را مهمترین و مؤثرترین عامل رونق و شکوفایی تولید ملی می داند. هرچند عبارت «فضای کسب و کار» در دهه های اخیر به عنوان یکی از کلیدواژه های مهم در مباحث اقتصاد کلان مطرح شده است، با تأملی در مباحث انجام شده پیرامون توسعه اقتصادی و پیش نیازهای یک اقتصاد شکوفا و رو به رشد در می یابیم که این مفهوم همواره مورد توجه صاحب نظران و اندیشمندان بوده است. در سال های اخیر این مفهوم با دقت و ظرافت بیشتری مورد توجه اقتصاددانان جهان قرار گرفته است. نقطه عطف استفاده از این عبارت در ادبیات اقتصادی ایران نیز در سال گذشته بود که پیش نویس قانونی برای تصویب به مجلس برده شد که با عنوان «قانون بهبود فضای کسب و کار» شهرت یافت. امروزه اهمیت فضای کسب و کار به حدی است که بانک جهانی شاخصی با عنوان فضای کسب و کار (Doing Business) تعریف کرده و سالانه اقدام به رتبه بندی کشورهای مختلف جهان از منظر این شاخص می نماید که به نوعی بیانگر فضای کسب و کار هر کشور است. براساس آخرین گزارش بانک جهانی از میان ۱۸۳ کشور جهان، رتبه فضای کسب و کار ایران ۱۴۴ بوده است. معیارهایی که بانک جهانی برای اندازه گیری این شاخص (و زیرشاخصهای دهگانه آن) در نظر می گیرد بیانگر فضای کسب و کار در آن کشور می باشد که

اصلی‌ترین آنها زمان و هزینه لازم برای طی هر یک از مراحل کسب‌وکار (که از شکل‌گیری یک کسب‌وکار تا انحلال کامل آن را شامل می‌شود) می‌باشد.

در یک تعریف علمی، منظور از فضای کسب و کار، عوامل موثر بر عملکرد واحدهای اقتصادی مانند کیفیت دستگاه‌های حاکمیت، ثبات قوانین و مقررات، کیفیت زیرساخت‌ها و ... است که تغییر دادن آنها فراتر از اختیارات و قدرت مدیران بنگاه‌های اقتصادی است. در توضیح این مطلب می‌توان یک صنعت را به‌مثابه یک اکوسیستم دانست؛ همانگونه که یک اکوسیستم از دو قسمت اصلی یعنی گونه‌های جاندار که در اکوسیستم زیست می‌کنند و اتمسفری که فضای زیست را برای گونه‌های جاندار فراهم می‌کند تشکیل می‌شود؛ هر صنعت (سیستم تولیدی) نیز از دو قسمت اصلی شامل نهادهای کسب‌وکار فعال در صنعت (تولیدگران و صنعتگران) و اتمسفر حاکم بر صنعت (فضای کسب‌وکار).

گرچه وقتی سخن از تولید به میان می‌آید، اکثراً در وهله نخست تولیدگران و بنگاه‌های صنعتی را مخاطبان این سخن می‌دانند؛ ولی نگارنده معتقد است که اینان گرچه در میدان بازی (تولید) اصلی‌ترین مهره‌ها هستند اما مهمتر از آن، شرایط و قواعد بازی است که این بازیگران مجبورند با آن شرایط بازی (تولید) کنند. به عبارت دیگر، در سال تولید ملی و برای شکوفایی تولید ملی قبل از اینکه انگشت اشاره به سوی تولیدگران و صنعتگران نشانه رود و از آنها انتظار جامع عمل پوشاندن به این شعار را داشته باشیم باید عوامل تعیین‌کننده شرایط و قواعد تولید را مخاطب قرار داده و از آنها بخواهیم که فضای کسب‌وکار کشور را برای رشد تولیدات ملی مساعد نمایند.

همانگونه که قوی‌ترین و سرزنده‌ترین جانداران نیز چنانچه شرایط زیست محیطی مناسبی نداشته باشند محکوم به زوال و نابودی هستند (همانند بهترین گونه‌های گیاهی یا پرستقامت‌ترین درختان سبز که در یک کویر کشت شوند) قطعاً قوی‌ترین تولیدکنندگان داخلی که حتی ممکن است دارای سابقه و قدمتی طولانی باشند نیز چنانچه فضای کسب‌وکار جهت رشد و ماندگاری آنها فراهم نباشد اندک‌اندک از صحنه خارج شده و نابود خواهند شد.

آنچه مسلم است اصلاح فضای کسب‌وکار نه تنها گامی مثبت و اساسی در جهت تقویت جنبه مشارکت بخش خصوصی در عرصه اقتصاد، ارتقای سطح اشتغال و تولید در کشور محسوب می‌شود

بلکه بطور قطع سیگنالی مهم برای استقبال سرمایه گذاران خارجی برای ورود به کشور و ارتقا و تسهیل جریان ورود فناوری به کشور نیز به شمار می‌رود.

بدون شک هر بنگاه کسب‌وکار نیازمند شرایط زیستی حداقلی است تا بتواند به دوام و حیات خود ادامه دهد. قطعا عناصر شکل‌دهنده فضای کسب‌وکار که بنگاه‌های صنعتی ناچار به حیات در آن اتمسفر بوده و عوامل تعیین‌کننده شرایط و قواعد بازی آنقدر زیاد هستند که نام بردن از آنها یک مثنوی هفتاد من خواهد بود. اما برخی از مهمترین آنها که بخش اعظمی از فضای کسب‌وکار را شکل می‌دهند عبارتند از برنامه‌های توسعه‌ای، سیاستهای اقتصادی، سیاست خارجی، سیاستهای پولی و اعتباری، سیاستهای ارزی، نظام مالیاتی، رگولاتوری و تنظیم بازار، قانون کار و سرمایه، قوانین گمرکی، نظام حقوقی و قضایی، استانداردها، زیرساختهای اقتصادی و سایر مواردی که از حوصله این بحث خارج است.

اما چه بخشها و نهادهایی، فضای مساعد کسب‌وکار (اتمسفر) را برای فعالیت واحدهای تولیدی و صنعتی (گونه‌های جاندار) فراهم می‌کنند؟ بدون شک، در وهله نخست دولت و پس از آن سایر نهادهای حاکمیتی همچون مجلس و قوه قضائیه و تاحدی تشکلهای و اتاقهای بخش خصوصی تسهیل‌گران اصلی هر صنعت می‌باشند که موظفند شرایط و قواعد مساعدی را برای کسب‌وکار و تولید ملی فراهم کنند.

بحث را ذکر دو نکته مهم که مقصود از فضای مساعد کسب و کار را بیان می‌کند ادامه می‌دهیم. نخستین نکته‌ای که در توضیح این بخش لازم به تاکید است این که منظور از فراهم‌سازی فضای مساعد کسب‌وکار اصلا حمایت بی‌چون‌وچرا از تولیدات داخلی نمی‌باشد. حمایت بی‌چون‌وچرا از تولید داخلی همچون فراهم ساختن شرایط گلخانه‌ای برای رشد گیاهان می‌باشد که گرچه تا حدی می‌تواند به این رشد کمک کند (تا رسیدن به دوران بلوغ) اما در صورت ادامه‌دار شدن، اصلی‌ترین مانع برای بزرگ شدن آن صنعت خواهد شد. صنعتی که در شرایط گلخانه‌ای رشد و نمو کرده باشد نه تنها یارای استقامت و ادامه حیات در آب‌وهوای آزاد (پیوستن به سازمان جهانی تجارت) را ندارد بلکه با وزیدن کوچکترین بادی (برداشته شدن حمایت‌های یارانه‌ای) و دیدن اندکی ناملایمی (نوسان در بازار عرضه و تقاضا) آسیب‌پذیر خواهد بود.

در همین راستا باید اذعان کرد که گرچه برای برخی از صنایع و تولیدات خاص لازم است شرایط کاملاً گلخانه‌ای فراهم باشد؛ همانگونه که در همه دنیا اینگونه است (مانند برخی گل‌های زینتی که تنها در شرایط گلخانه‌ای امکان زیست دارند) اما برای بیشتر صنایع، باقی ماندن در شرایط گلخانه‌ای ضمن اینکه هزینه‌های زیاد و بیهوده‌ای را بر دولت تحمیل می‌کند مانع جدی رشد و بالندگی آن صنعت خواهد شد.

نکته مهم دیگری که در فضای مساعد کسب‌وکار وجود دارد، ثبات و قابل پیش‌بینی بودن فضای کسب‌وکار است. همانگونه که شرایط جوی ناپایدار و غیرقابل پیش‌بینی یکی از آفات و موانع رشد کشاورزی به حساب می‌آید، در فضای کسب‌وکار نیز سیاستها و تصمیمات ناپایدار و خلق‌الساعه جزو مهمترین عوامل آسیب رساندن به بنگاههای تولیدی و صنعتی می‌باشد. از آنجا که بنگاههای صنعتی نیز همچون جانداران قابلیت تطبیق‌پذیری و وفق دادن خود با شرایط ثابت محیطی را دارا هستند (مگر اینکه شرایط محیطی غیر قابل حیات باشد) بنابراین وجود یک فضای هرچند ناپهینه اما باثبات خیلی مناسب‌تر و مساعدتر از شرایط مطلوب برای فعالیت اما بی‌ثبات و غیرقابل پیش‌بینی خواهد بود.

در پایان برخی از تدابیر مهم برای بهبود فضای کسب و کار که منجر به حمایت از تولید خواهد شد ذکر گردیده است که بازیگران اصلی فضای کسب‌وکار که در قسمت‌های قبل بدانها اشاره شد باید با یکدیگر تعامل مثبتی شکل داده و تصمیمات و سیاستهای کلان را به‌صورت یکپارچه و هماهنگ اتخاذ نمایند. «شورای گفت‌وگو» راهی عملیاتی برای این منظور است که ضروریست در سال جاری، با جدیت دنبال شود.

همچنین برای بهبود فضای کسب و کار باید در گام دوم اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، سهم تولید از درآمد حاصل از اجرای این قانون بیشتر شده و از روی کاغذ به صورت عملیاتی درآید.

باید دانست که منظور از حمایت از تولید ملی، نه محدودیت کامل واردات بلکه حفظ رقابت‌پذیری تولیدات ملی می‌باشد. برای این منظور، باید ابتکار عمل را در اختیار بازار رقابتی (البته نه به‌صورت لجام‌گسیخته) نهاد تا واحدهای تولیدی بتوانند در شرایط رقابتی مدیریت بازار خود را انجام دهند.

برای رشد تولید ملی باید هزینه‌های افزایش قیمت مواد اولیه و حامل‌های انرژی در قیمت‌گذاری لحاظ شده و با واقعی شدن و تثبیت قیمت ارز، قاچاق کالا و واردات کالاهای بی‌ارزش و بی‌کیفیت به کشور کاهش یابد .

همچنین تلاش و چاره‌اندیشی جهت پر کردن ظرفیت‌های خالی تولیدی کشور و جلوگیری از تغییرات ناگهانی سیاستها، کاهش قوانین و مقررات دست‌وپاگیر و بوروکراسی‌های وقت‌گیر اداری، منطقی کردن صدور مجوزها و رسیدگی عادلانه و سریع به پرونده‌های اقتصادی از دیگر تدابیر کارگشا در بهبود فضای کسب‌وکار و حمایت از تولید داخلی خواهد بود.